

از آنجا که غرب و در رأس آن آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون به دنبال براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است، همواره نقشه‌های جدیدی برای ایران در سر داشته و در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، بویژه پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات، بهترین راهبرد غرب، استفاده از شبکه‌سازی در داخل و خارج از کشور بوده است. «خانواده نمازی» از جمله همین افراد هستند که با کمک‌های بی‌دریغ آمریکا به دنبال ایجاد شبکه‌ای عظیم از دشمنان انقلاب در داخل کشور و براندازی نظام بودند.

- پیشینه‌نمازی‌ها**

«محمدباقر نمازی» که در دوران پیش از انقلاب دارای پست‌های متعددی از جمله استانداری استان نفت‌خیز خوزستان بود، سال ۶۲ یعنی حدود ۵ سال پس از انقلاب از ایران خارج شد و به همراه خانواده خود به آمریکا رفت. با فراهم شدن فضا در زمان ریاست جمهوری آقای «رفسنجانی» نمازی‌ها به ایران بازگشتند و «پری نمازی»، برادرزاده باقر نمازی و همسر او، «بیژن خواجه‌پور» در ایران شرکتی مشاوره‌ای به نام «آتیه بهار» تأسیس کردند. این شرکت با ارائه خدمات وسیع حقوقی و صنعتی به کشورهای خارجی، منافع تجاری کشورها و شرکت‌های خارجی را برای ورود به بازار ایران، از طریق روابط دلالی با برخی مقامات و لابی‌گرا تأمین می‌کرد. با وضع تحریم‌های یکجانبه آمریکا در دولت «میل کلینتون» علیه ایران در سال ۷۴ و ممنوعیت معامله شرکت‌های آمریکایی با ایران، «سیامک»، پسر بزرگ باقر نمازی که از سال ۷۳ تا ۷۵ با وزارت مسکن و شهرسازی همکاری می‌کرد و «بابک»، پسر کوچک باقر نمازی که وکیل بود به آتیه بهار پیوستند. با روی کار آمدن «محمد خاتمی» در سال ۷۶ آتیه بهار در وضعیت مطلوب‌تری قرار گرفت و قراردادهای عظیمی را با شرکت‌های نفتی و غیرنفتی بزرگ امضا کرد. شرکت مشاوره آتیه بهار از ابتدای تأسیس خود به واسطه نزدیک شدن به «مهدی هاشمی»، فرزند رئیس دولت سازندگی به جناح هاشمی متمایل بود اما رابطه آنها با مهدی هاشمی با افشای دیگر دریافت رشوه از شرکت نفتی «استاتویل» نروز توسط یک مقام رده‌بالای ایرانی در سال ۸۳ مشکلاتی را برای آنها ایجاد کرد. به نوشته سایت تحلیلی «دیلی‌بیست» در این شرایط آتیه بهار به روابطی جدید نیاز داشت تا بتواند به کار خود در ایران ادامه دهد و به همین دلیل بیژن خواجه‌پور همکاری خود را با حسن روحانی، مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در دولت خاتمی آغاز کرد.

- سر بر آوردن «همیاران غذا»**

سال ۷۶ دولت اصلاحات سازمان غیردولتی «همیاران غذا» را ایجاد کرد. همیاران نتیجه کنفرانسی مشکل‌زا از ۳ گروه بود؛ گروه اول معاونان و نمایندگان چند وزیر و چند نماینده مجلس، گروه دوم «سازمان‌های مردم‌نهاد ایران» که توسط «حسین ملک‌افضلی» اداره می‌شد و گروه سوم نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل. در این کنفرانس نمایندگان دولت تصمیم گرفتند سازمان مردم‌نهادی تأسیس کنند که مانند جتری برای NGOهای دیگر ایران باشد. این سازمان «طرح NGO ایران» امیده شد که سال ۷۹ به همیاران تغییر نام داد. طرح NGO ایران اهدافی مانند اصلاح قانون، آموزش، مدیریت و ظرفیت‌سازی، اطلاعات و ارتباطات و ایجاد گفت‌وگو میان NGOهای محلی و سازمان‌های جامعه‌محور را دنبال می‌کرد و نخستین نشست آن در مهمان‌آبادی تأسیس در پوشهر بر گزار شد. دکتر «حسین ملک‌افضلی» که معاون وزیر بهداشت دولت اصلاحات بود از اعضای هیأت‌مدیره و باقر نمازی رئیس آن بود. در یکی از جلسات همیاران در اسفند ۸۰ در وزارت امور خارجه، همیاران از سوی وزیر وقت امور خارجه موظف به «ایجاد کتال‌های ارتباطی با ایرانیان در حال زندگی در آمریکا» شد.

همیاران قرار بود دنباله‌رو سیاست‌های آمریکادر



پشت پرده حضور نمازی‌ها در ایران

داستان یک خانواده نفوذی

- فاطمه طهماسبی**

در یک مراسم، نمایندگان سازمان مردم‌نهاد ایران با همسرهای خود ایستادند.

ایران باشد و به ایجاد یک شبکه از مردم، نخبگان، بعضا مقامات سیاسی، گروه‌های جامعه مدنی و هر ظرفیتی که در این راستا در ایران وجود دارد کمک کند. باقر نمازی نیز آبان ۸۲ درباره نقشی که ایرانیان خارج از کشور می‌توانند در این طرح در ایران ایفا کنند گفت: «آنها می‌توانند به عنوان «پل‌هایی میان کشورهای میزبان و ایران» عمل کنند.» در همان سال نمازی طی مصاحبه‌ای درباره شیوه ارتباط با ایرانیان خارج از کشور تصریح کرد: «وزارت امور خارجه در حال تشویق ما برای در تماس بودن با متخصصان ایرانی خارج از کشور به صورت جداگانه با به شکل رسمی مثلا از طریق ایرانیان در حال کار در بانک جهانی است» و در این رابطه «دولت نظر مثبتی درباره شبکه شدن NGOها با متخصصان ایرانی در حال کار در اروپا و آمریکا دارد». گفتنی است نمازی مدتی مشاور ارشد حوزه اجتماعی بانک جهانی بود. باقر نمازی مطالبه دموکراسی و مشارکت اجتماعی و افزایش اعتماد به سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی را برای به چالش کشیدن سیاست‌های دولت از فرصت‌های طرح NGOایران می‌دانست و حوزه‌های فعالیت آنها را حکومت خوب، حقوق بشر، قانون و دموکراسی، توانمندسازی زنان، کودکان و جوانان، حفاظت از محیط زیست، کاهش فقر و آسیب‌پذیری، بهداشت و جمعیت و تعمیم علم و فناوری برمی‌شمرد. این حوزه‌ها همه حوزه‌هایی هستند که آمریکا از آنها به عنوان ابزار برای نفوذ به درون کشورها و القای ارزش‌های آمریکایی به آنها بهره می‌برد و در ادبیات مقامات آمریکایی بارها و بارها تکرار شده است. همیاران، همکاری‌های متعددی نیز با مراکز آمریکایی داشت که از جمله آنها «بنیاد فورد»، «شورای جهانی جمعیت» در نیویورک، «مرکز وودرو ویلسون»، «طرح اقدام بازسازی اجتماعی در اوراسیا» که در حوزه توسعه بخش غیردولتی فعالیت می‌کند، سازمان صهیونیستی «جست‌وجوی زمینه‌های مشترک» و اندیشکده «لتنون جونز» بود. از دیگر فعالیت‌های همیاران برگزاری کارگاه‌های متعدد ذیل حوزه‌های فعالیتی مورد ادعای خویش و دیدارهای نمایندگان NGOهای ایرانی از آمریکا بود.

- پیوند همیاران و شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک)**

آبان ۷۸ سیامک نمازی فرزند باقر نمازی ره‌حل آنها برای کاستن از دشمنی میان دولت از فرصت‌های طرح NGOایران می‌دانست و جذب آمریکایی‌هایی با ریشه غیرایرانی» بود. این مقاله مشترک منجر به تأسیس نایاک در سال ۸۰ شد که با همکاری سیامک نمازی و با مشاوره ویژه محمدباقر نمازی صورت گرفت. در زمینه آغاز ارتباط همیاران و نایاک آنگونه که در گزارش نایاک به بنیاد موقوفه ملی دموکراسی (NED) آمده است «طی سال‌های ۸۱ تا ۸۲ نایاک با NGOهای ایران ارتباطاتی برقرار کرد» و همچنین با مقامات دولت ایران که اطلاعاتی درباره کاتال‌های رسمی انجام این پروژه فراهم کردند دیدار کرد. پاییز ۸۲ اعضای نایاک در زمینه ظرفیت‌سازی NGOها و تبدلات انسانی با یکدیگر شروع به همکاری کردند». همچنین در «سند گزارش دوره‌ای به موقوفه ملی دموکراسی» نایاک آمده است آدرامه ۸۲ خانم نقشه کینوش، مدیر پروژه نایاک برای انجام یک تحقیق مستقل درباره NGOهای ایران به تهران سفر و با ۲ گروه مهم ملاقات کرد. نخستین ملاقات با آقای «تکیه‌سادات»، مقام وزارت امور خارجه در فعالیت‌های زیست‌محیطی بود که تکیه‌سادات در این دیدار بر استفاده از یک NGO خارجی به



پشت پرده حضور نمازی‌ها در ایران

پشت پرده حضور نمازی‌ها در ایران

داستان یک خانواده نفوذی

در یک مراسم، نمایندگان سازمان مردم‌نهاد ایران با همسرهای خود ایستادند.

«رتینا پارسی» در کنفرانسی در قبرس تحت عنوان «گفت‌وگو و تعامل میان مردم ایران و آمریکا» شرکت کردند. این کنفرانس به طور مشترک توسط سازمان غیردولتی قبرسی «مرکز جهانی گفت‌وگو» و سازمان غیردولتی ایرانی «همیاران» برگزار شد. نمازی و پارسی در آن کنفرانس مقاله‌ای با عنوان «پران و آمریکا، پلی میان ۲ ملت» ارائه دادند که ۳ گام برای بهبود روابط میان ایران و آمریکا ارائه می‌داد. ۱– برگزاری «سمینارهای آموزشی لابی‌گری برای جوانان ایرانی-آمریکایی و ایجاد موقعیت‌های آموزشی در واشنگتن ۲– افزایش «گاهی میان «پرانی-آمریکایی‌ها» و «آمریکایی‌ها» درباره اثرات تحریم، هم در آمریکا و هم در ایران» ۳– پایان دادن به «تابوی کار و تلاش برای ایجاد رویکرد جدید نسبت به ایران» یا همان پایان دادن به ۲ دهه سیاست مهار جمهوری اسلامی از سوی آمریکا.

راه‌حل آنها برای کاستن از دشمنی میان دولت از فرصت‌های طرح NGOایران می‌دانست و جذب آمریکایی‌هایی با ریشه غیرایرانی» بود.

این مقاله مشترک منجر به تأسیس نایاک در سال ۸۰ شد که با همکاری سیامک نمازی و با مشاوره ویژه محمدباقر نمازی صورت گرفت.

در زمینه آغاز ارتباط همیاران و نایاک آنگونه که در گزارش نایاک به بنیاد موقوفه ملی دموکراسی (NED) آمده است «طی سال‌های ۸۱ تا ۸۲ نایاک با NGOهای ایران ارتباطاتی برقرار کرد» و همچنین با مقامات دولت ایران که اطلاعاتی درباره کاتال‌های رسمی انجام این پروژه فراهم کردند دیدار کرد. پاییز ۸۲ اعضای نایاک در زمینه ظرفیت‌سازی NGOها و تبدلات انسانی با یکدیگر شروع به همکاری کردند». همچنین در «سند گزارش دوره‌ای به موقوفه ملی دموکراسی» نایاک آمده است آدرامه ۸۲ خانم نقشه کینوش، مدیر پروژه نایاک برای انجام یک تحقیق مستقل درباره NGOهای ایران به تهران سفر و با ۲ گروه مهم ملاقات کرد. نخستین ملاقات با آقای «تکیه‌سادات»، مقام وزارت امور خارجه در فعالیت‌های زیست‌محیطی بود که تکیه‌سادات در این دیدار بر استفاده از یک NGO خارجی به

-

رل گز گرجستان در سال ۲۰۰۳ و انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۰۴ و همین‌طور فتنه سبز ایران در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) کاملا آشکار است و به همین دلیل روسیه در سال ۹۴ دفتر NED را در کشور خود تعطیل کرد. NED کمک‌های مالی خود را به سازمان‌های غیردولتی می‌دهد که در ظاهر به دنبال تقویت اهداف و نهادهای دموکراتیک در سراسر جهان اما در واقع به دنبال سرعت بخشیدن به استحاله از درون و در نهایت براندازی سیستم‌های حاکمه کشور خود هستند.

- NED در مجموع بیش از ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی به نایاک کرده است**

سال ۸۰، نایاک ۲۵ هزار دلار کمک مالی از NED با هدف برگزاری یک کارگاه ۲ روزه برای NGOهای ایران در تهران دریافت کرد که این کارگاه سال ۲۰۰۴ و در بحبوحه زلزله شهر بم برگزار شد. بنابر گزارش سایت NED این کارگاه برای ۴۰ کارمند از ۵ گروه مدنی برگزار شد و برنامه آن «آموزش و توسعه عمومی، تولید فیلم، فیلمنامه‌نویسی و استفاده از گرافیک» بود. همچنین «شرکت‌کنندگان در توسعه پروژه و نوشتن پروپوزال» آموزش دیدند و «به شناسایی نیازهای خود، گسترش پیام عمومی و طرح کلی یک کمپین تبلیغاتی مناسب» تشویق شدند. سال ۸۳، نایاک کمک مالی دوم را به مبلغ ۶۴ هزار دلار از NED «برای ایجاد و راه‌اندازی سایتی به نام مرکز آنلاین منابع NGOها» دریافت کرد که این پروژه فروردین ۸۴ آغاز شد. مطابق سندی که نایاک منتشر کرد هدف اصلی این سایت «مشاوره به گروه‌های محلی درباره ظرفیت‌سازی و برقراری روابط میان NGOهای ایرانی و کمک‌کنندگان بین‌المللی» عنوان شد و برای رسیدن به این هدف «کارشناس منابع از طریق تلفن و ایمیل با گروه‌های محلی درباره ظرفیت‌سازی، توسعه پروژه و نوشتن پروپوزال ارتباط برقرار می‌کند».

یک سال بعد ۱۰۷ هزار دلار دیگر برای ادامه کمک‌رسانی به NGOهای ایران از طریق سایت فارسی و همچنین برگزاری یک کارگاه ۱۲ روزه برای هفت NGO ایرانی در ترکیه کمک مالی به نایاک داده شد که این کارگاه در نهایت لغو شد.

همزمان نایاک ۷۱ هزار دلار نیز از بنیاد اوراسیا که از سوی یواس‌اید حمایت می‌شود و اعطاکننده کمک‌های مالی در حوزه جامعه مدنی است برای سایت فارسی‌زبان دریافت کرد. در تمام این پروژه‌ها که اساسا به نام مردم و به کام دشمنان ایران بود، همیاران همواره شریک خوب نایاک در تهران بود و نایاک مسئولیت هماهنگی و پیگیری امور در آمریکا را بر عهده داشت. با این اوصاف به نظر می‌رسد همیاران چیزی بیش از یک NGO بود و حوادث سال ۸۸ به وضوح اهداف همیاران و شریکشد و حامیان مالی آنها بویژه NED را نمایان کرد و نشان داد آنها با کمک نایاک و برخی دوستان ایرانی‌شان چه مقصدی را دنبال می‌کرده‌اند. آنچه از مطالب بالا روشن می‌شود این است که نفوذ و رسوخ به یک کشور همواره نیازمند افرادی است که مجری اوامر کشور بیگانه باشند که البته این افراد می‌توانند مردم، نخبگان و در شرایط ایده‌آل، مسؤولان سیاسی آن کشور باشند. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی نیز در سخنرانی آدرامه خود

با اشاره به این مقوله، خطرناک‌ترین نوع نفوذ را سازمان از سوی ژانوس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (یواس‌اید) نیز کمک مالی دریافت می‌کند. NED مدعی است بیش از ۶ هزار سازمان را در سراسر جهان طی ۳۰ سال تحت پوشش برنامه‌های آموزشی و کمکی نابود کرده است. بوجه‌ی یواس‌اید که وظیفه انجام فعالیت‌های انسان‌دوستانه در سراسر جهان با هدف افزایش قدرت نرم آمریکا را بر عهده دارد و یکی از بازوان بسیار قدرتمند سیا برای جاسوسی در کشورهاست ۲۲ میلیارد دلار است و NED نیز سال مالی ۲۰۱۴ حدود ۱۰۰ میلیون دلار بودجه دریافت کرد. نقش NED در انقلاب‌های رنگی متعدد که از سال ۲۰۰۰ رخ داده مانند انقلاب کشور گرفتار شدند.

در یک مراسم، نمایندگان سازمان مردم‌نهاد ایران با همسرهای خود ایستادند.

که نتیجه آن در بلندمدت می‌تواند خسارت جدی به کشور وارد کند از همین رو پیشنهاد می‌شود هم‌زمان با تشویق جامعه به افزایش جمعیت، اقدامات زیر صورت گیرد:

نخست،مراکزجذب‌کنندهجمعیتهمانندپایتخت‌ها و شهرهای برخوردار سیاست‌های محدودکننده جذب جمعیت را اتخاذ کنند؛ استفاده حداکثری از ظرفیت رسانه‌ها بویژه رادیو و تلویزیون در نقد تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ و لزوم مهاجرت به شهرهای کوچک‌تر یکی از راهکارهای محدود شدن جذب جمعیت در شهرهای بزرگ است. دوم: کاهش جدی هزینه‌های زندگی و هزینه‌های مالیاتی و…همراه باانتقال امکانات معیشتی وصنعتی به شهرهای کوچک‌تر، بسته‌های حمایتی دولت از ایجاد اشتغال و کارآفرینی در شهرهای کوچک و روستاها و همچنینانتقال الزاماتکشاورزی صنعتی و مکانیزه به روستاها، سبب تغییر حالت از تمرکز جمعیت از نقاط خاص به پراکندگی جمعیت در تمام مناطق می‌شود و در نتیجه آن از انفجار جمعیت در شهرهای بزرگ جلوگیری شود؛ به این صورت هم بحران امنیت ملی حل شده است و هم با افزایش جمعیت، ششکوفایی اقتصادی در همه عرصه‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی حاصل می‌شود.

اشاره

چرا به سرود نیاز داریم؟

دکتر محمدمهدی سیار: «ما امروز هم به سرود احتیاج داریم؛ سرود یک نیازی است… به نظر من سرود یک نوعی از شعر بسیار پرتأثیر است، اثرگذار است، از بسیاری از انواع شعر، شاید بگویم با همه انواع شعر اثرگذاری‌اش بیشتر است؛ یعنی گسترش اثرگذاری و سرعت اثرگذاری آن بیشتر است.» رهبر انقلاب در دیدار رمضانی با شاعران (۱۳۹۵/۳/۳۱)

سرود از مردمی‌ترین مصنوعات ادبی است که با طیف وسیعی از مردم ارتباط برقرار می‌کند. ویژگی‌های سرود را می‌توان در ۲ حوزه ظاهری و محتوایی بیان کرد. از ویژگی‌های ظاهری سرود، عدم نیاز به آلات موسیقی است، اگرچه همراهی موسیقی در بعضی از فرازها موجب زیبایی بیشتر سرود می‌شود، اما ماهیت سرود و حیات آن به موسیقی بستگی ندارد. به همین دلیل، در لحظه و مکانی که هیچ وسیله موسیقایی وجود نداشته باشد، بازهم سرود قابلیت اجرا دارد. برای مثال، در سفرهای گروهی، کوهنوردی و راهپیمایی‌ها، سرود بدون نیاز به کمترین امکاناتی، قابلیت استفاده دارد.

قابلیت اجرای دسته‌جمعی و همگانی، ویژگی دیگر سرود است که افراد مختلف حتی بدون نیاز به توانایی‌های آوازی، می‌توانند در قالب گروه‌های دانش آموزی، دانشجویی و مردمی، به‌شکل دسته‌جمعی سرودی را همخوانی کنند. در زمینه محتوا، سرود بیانگر سخن مردم و زبان آنها در بیان اهداف و خواسته‌هاست. این قالب در عین‌حال به‌گونه‌ای باید باشد که طیف وسیعی از مردم آن را درک و فهم کنند و با آن ارتباط برقرار کنند. در حقیقت خلق سرود خوب یک فعالیت سهل و متنوع است. تنظیم کردن یک شعر مناسب با آهنگی مناسب، به همراه یک محتوای مفید، به‌گونه‌ای که سرودی شکل و مورد اقبال و پسند مردم قرار بگیرد، یک فرآیند هنری و فنی بسیار سخت و پیچیده است.

- زبان یک ملت**

سرود قابلیت فوق‌العاده‌ای برای بازگو کردن احساسات جمعی و ملی یک قوم و ملت نیز دارد. به‌طور طبیعی سرود با حماسه و مسائل اجتماعی و جمعی همراه است و در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی ورود پیدا کرده است. سرود می‌تواند در سطح یک ناحیه و کشور رواج یابد و به زبان حال و شعار یک ملت بدل شود. در تاریخ مشاهده می‌کنیم که در جنگ‌ها، شعارهای جنگی به شکل کوتاه، ساده و قابل تکرار خوانده می‌شده است. در این‌های مذهبی نیز سرود فراوان وجود دارد. به‌طور مثال در اسلام و در مراسم حج، سرود جمعی «لبیک اللهم لبیک» را داریم که همه حجاج آن را با هدف قرب الهی و با شکوه خاصی همخوانی و تکرار می‌کنند. در تاریخ انقلاب خودمان نیز سرود، عامل ایجاد وحدت کلمه و شور آفرینی در نسل‌های پس از آن، در حرکت مردم در انقلاب اسلامی داند با سروردهای انقلاب درآمیخته است. در میان تحولات بسیار زیاد و متنوع هنری و موسیقایی جهان معاصر، گونه سرود انقلاب اسلامی ایران یکی از درخشان‌ترین اتفاقات هنری جهان معاصر به‌شمار می‌آید. کارنامه‌ای که این هنر در ایران دارد، از لحاظ کیفیت قابل مقایسه با موسیقی اعتراضی و اجتماعی در هیچ‌جای دنیا نیست. این سرودها تا آن اندازه در کشور ما تأثیرگذار بوده‌اند که پس از گذشت ۳ دهه از انقلاب، هنوز برای انتقال این تجربه تاریخی به نسل‌های بعدی، از همین سرودهای درخشان در رسانه‌های ما استفاده می‌شود. در واقع این سرودها نه‌تنها حرکت مردم را در همان زمان شکل دادند، بلکه در انتقال این تجربه به نسل‌های بعدی نیز مؤثر واقع شدند. به‌عنوان نمونه، جشن‌های دهه فجر را که دهه منتقل‌کننده این اتفاق تاریخی به نسل‌های بعد است، در نظر بگیرید. اگر در دهه فجر سرودهای انقلاب از مجموعه‌های رسانه‌ای و تبلیغی حذف شود، درمی‌یابیم که دست‌مان خالی است و بضاعت کمی برای عرضه خواهیم داشت.

- تبادل با ملت‌های دیگر**

تجربه سرود انقلاب اسلامی بویژه در دهه اول انقلاب، بسیار گرانها و تأثیرگذار است. برای ادامه این راه ما نیاز داریم که سرود انقلاب اسلامی ایران به‌شکل دقیق و علمی تشریح و تدوین شود. از یکسو کشورها و ملت‌هایی نظیر هندوستان، کشمیر و افغانستان (بویژه در مبارزه با شوروی) چه از لحاظ محتوا و چه از حیث ملودی، از سروردهای انقلاب استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر ما نیز از سروردهای آمریکای جنوبی تأثیراتی گرفته‌ایم. این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی نیازمند یک تحقیق مدون است که ویژگی‌های هنری، ادبی و تاریخی آن بررسی شود و این چراغ راهی شود برای ادامه راه آیندگان.